Archive of SID

شماره شاپا: X 980 - 2382

پژوهش‌های معماری اسلامی ۹

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال سوم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۴

- **الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی- اسلامی(بررسی موردی خانه رسولیان یزد)**
  حسنعلی پورمند / فاطمه طباطبایی ملاذی
- **بررسی ابزارها و روش‌های ایجاد محرمیت در خانه‌ی زینت‌الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی**
  کوروش مؤمنی / ندا ناصری
- **بررسی اهمیت، اولویت و اصالت فضای باز در مسجد**
  امیر سلمانی / محمدحسین رحیمی / مهدی خاک‌زند
- **مقایسه سبک شناختی معماری مساجد ایرانی و شعر فارسی**
  افسانه خاتون آبادی
- **مدیریت شهری دوران اسلامی در فضاهای اقتصادی شهر و توسعه و بکارگیری آن در شهرهای ایران امروز**
  محمد حسین شریف زادگان / بهزاد ملک پور اصل
- **مقایسه‌ی تحلیلی نگرش غربی حفاظت با جهان بینی اسلامی در تبیین وجوه فراکالبدی میراث‌معماری**
  رضا ابوئی / محمدرضا اولیاء / زهره یادگاری / شهاب افاضت
- **نقش مرمتگر در مرمت ابنیه‌ی حوزه‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی؛ تأملی بر مبانی رویکردهای مرمتی در دانش مرمت بر اساس عامل انسانی مرمت**
  محمود ارژمند / احمد امین‌پور

www.SID.ir

Archive of SID

شماره شاپا: 2382 - 980 X

پژوهش های معماری اسلامی ۹

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سردبیر: مهندس عبدالحمید نقره کار

مدیر داخلی: دکتر محمد منان رئیسی

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: امیرحسین یوسفی

ویراستار انگلیسی: امید خزائیان

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی : دانشیار دانشگاه تهران
دکتر حسن بلخاری : دانشیار دانشگاه تهران
دکتر مصطفی بهزادفر : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محمد رضا پور جعفر : استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر مهدی حمزه نژاد : استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر اسماعیل شیعه : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر منوچهر طبیبیان : استاد دانشگاه تهران
دکتر محسن فیضی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر حمید ماجدی : دانشیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر اصغر محمد مرادی : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان : استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکترفاطمه مهدیزاده سراج: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکترمحمد نقی زاده: استادیار واحدعلوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر علی یاران : دانشیار وزارت علوم تحقیقات ، فناوری

لیست داوران این شماره:

دکتر بهمن ادیب زاده: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر آزیتا بلالی اسکویی: استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
دکتر لیدا بلیلیان اصل : استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
دکتر محمدرضا بمانیان، استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محمدمنان رئیسی: استادیار دانشگاه علم و صنعت
دکترسید محمدحسین ذاکری، استادیار دانشگاه شیراز
دکتر مینو قره بیگلو: استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
دکتر علی عمرانی پور: استادیار دانشگاه کاشان
دکتر محمدباقر کبیرصابر: استادیار دانشگاه تهران
دکتر منصوره طاهباز: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر جعفر طاهری: استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر ابوالفضل مشکینی، استادیار دانشگاه تربیت مدرس
دکتر قاسم مطلبی: استادیار دانشگاه تهران
دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکترفاطمه مهدیزاده سراج: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر سیدرسول موسوی حاجی: دانشیار دانشگاه مازندران
دکتر مسعود ناری قمی:استادیار دانشگاه کاشان
دکتر احد نژاد ابراهیمی: استاد یار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
دکتر پریسا هاشم پور: استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز
دکتر بهزاد وثیق: استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور

نشریه پژوهشهای معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۰۶ مورخ ۹۳/۷/۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

طراح جلد و صفحه‌آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / **تلفن مستقیم:** ۷۷۴۹۱۲۴۳-۰۲۱

نشانی رایانامه: jria@iust.ac.ir / **نشانی وب:** http://iust.ac.ir/jria

www.SID.ir

Archive of SID

فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی / شماره نهم / زمستان ۱۳۹۴ / سال سوم

مقایسه سبک‌شناختی معماری مساجد ایرانی و شعر فارسی

افسانه خاتون‌آبادی*

استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۹/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی:۹۴/۱۲/۱۱

چکیـــــــده:

شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در هر جامعه در پیدایش و رواج انواع هنرها نقشی اساسی دارد. تغییر در این شرایط، تغییر در سبک‌های هنری را سبب می‌شود. این پژوهش، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که آیا شرایط ویژه‌ی اجتماعی و فرهنگی در هر برهه‌ی تاریخی تأثیری مشابه بر سبک‌های شعر فارسی و معماری مساجد ایرانی بر جای گذارده است یا خیر؛ و اگر آری، این همانندی‌ها بر چه دلالت دارد. علاوه بر این، آیا می‌توان عناصری یافت که در همه سبک‌ها و همه دوره‌ها تکرار شود؛ و اگر آری، وجود این عناصر مشترک را چگونه می‌توان تفسیر نمود. پژوهش توصیفی- تحلیلیِ حاضر، برای یافتن پاسخ پرسش‌های فوق، با مقایسه‌ی ویژگی‌های سبک‌شناختیِ شعر فارسی و معماری مساجد، به این نتیجه می‌رسد که در هر دوره‌ی تاریخی، سبک‌های شعر و معماری، شباهات عمیقی با یکدیگر داشته‌اند؛ به طوری که می‌توان سبک خراسانی در معماری را متناظر با سبک خراسانی در شعر به حساب آورد. سبک رازی را متناظر با سبک دوره‌ی سلجوقی، شیوه‌ی آذری را با سبک عراقی و سبک معماری اصفهانی را با سبک شعر اصفهانی (هندی) قرین دانست. این شباهت‌ها وجود ندارد مگر به علت وجود روحی مشترک در ارکان گوناگون فرهنگی جامعه. این روح مشترک، دو ساحت دارد: ۱- ساحت زمان‌مند (روح زمانه= روح دوران): این ساحت در هر دوره بنا بر مقتضیات همان دوره (شرایط ویژه‌ی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) سبب بروز و ظهور همانندی بین سبک‌های هنری می‌شود؛ اما در ضمن از آن جا که زمان‌مند است، حاوی وجوه افتراق با دوره‌های قبل و بعد نیز هست. ۲ - ساحت فرازمانی (روح ملت): این بعد مشتمل بر پاره‌ای عناصر تکرار شونده است که در ادوار مختلف و در سبک‌های هنرهای گوناگون، حضوری ثابت دارند؛ بدون این که تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار گیرند؛ یا منتسب به سبکی خاص باشند. این عناصر تکرارشونده، در مجموع، شاکله‌ی واحدی را می‌سازند که همان «روح ملت» ایران است.

واژه های کلیدی:مسجد، سبک، معماری ایرانی، شعر فارسی، فرهنگ.

*afsaneh_kh.abadi@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

«سبک هنری» عبارت است از شیوه‌ی بیانِ اندیشه، ذهنیات و عواطف خودآگاه یا ناخودآگاه هنرمند. در شکل‌گیری «سبک»، عوامل متعددی دخیل است؛ برخی از این عوامل ریشه در روان و نفسانیات هنرمند دارند و برخی دیگر مولود شرایط بیرونی هستند. منظور از شرایط بیرونی، شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که البته این‌ها نیز به طور بالقوه می‌توانند منشأ تاثیراتی ژرف بر روان هنرمند باشند.

نکته‌ی حائز اهمیت در مباحث سبک‌شناسی، تمایز بین سبک شخصی و سبک دوره است. آن چه در این مقاله در هر دو حوزه شعر و معماری مورد نظر ماست؛ «سبک دوره» است.

سبک‌های شعر کلاسیک فارسی به سبک خراسانی، سبک عراقی، سبک اصفهانی (هندی) و دوره‌ی بازگشت ادبی تقسیم می‌شود.

سبک‌های معماری ایرانی در دوره‌ی اسلامی نیز عبارت است از: سبک‌های خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی. بهترین مصادیق هر یک از سبک‌های مذکور، در بنای مساجد قابل رؤیت است. بنابراین با مطالعه‌ی سبک‌شناختی معماری مساجد، گویی یک دورهی کامل از تاریخ معماری ایران در دوره‌ی اسلامی، مطالعه شده است.

دراین جستار، از بررسی سبک‌هایِ معاصرِ معماری و شعر صرف نظر شده؛ چرا که ویژگی خاص اجتماعی و فرهنگی صد و اندی سال اخیر، و انعکاس آن در شعر و معماری، ما را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد که پژوهشی جداگانه را می‌طلبد. همان‌گونه که خاطرنشان شد؛ شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در پیدایش و استمرار همه سبک‌های هنری، تأثیری به سزا داشته‌است. حال، پرسش آن است که آیا شرایط یاد شده، در هر مقطع تاریخی، تأثیری مشابه بر سبک‌های شعر فارسی و معماری مساجد ایرانی بر جای گذارده است یا خیر؟ و اگر این تأثیر مشابه بوده؛ چه نتیجه‌ای می‌توان از آن گرفت؟ همچنین سوای وجوه افتراقی که سبک دوره‌های مختلف را از یکدیگر متمایز می‌سازد؛ آیا می‌توان ویژگی‌ها و عناصری را یافت که در سبک‌های گوناگون و در دوره‌های مختلف تکرار شود؟ و در صورت وجود، این موضوع دلالت بر چه دارد؟ پژوهش حاضر، تلاشی است برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق.

اهمیت این موضوع از آن جهت است که برای بازشناسی هویت فرهنگی خود، بازخوانی و بررسی همه‌ی حوزه‌های فرهنگی ضرورت دارد. دریافت این که آیا مظاهر مختلف فرهنگی، جزایر جداگانه و از هم دور افتاده‌ای هستند که هیچ رابطه‌ای با هم ندارند، یا خورشیدی واحد به همه‌ی آنها زندگی و گرما می‌بخشد؛ از ضروریات اساسی فرهنگی بوده اما تا جایی که نگارنده اطلاع دارد؛ در این خصوص پیش از این تحقیق مستقلی صورت نگرفته است.

این پژوهش، که بر اساس روش توصیفی- تحلیلی انجام پذیرفته؛ ابتدا به بررسی سبک‌های معماری مساجد و به دنبال آن سبک‌های شعر فارسی پرداخته است. گام بعد به مقایسه‌ی سبک‌های معماری و شعر، اختصاص دارد.

برای تبیین دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی و تأثیر آن بر تحول سبک‌های هنری، در بین آراء گوناگون، دیدگاه‌های پیتریم الکساندر سوروکین- جامعه‌شناس روس‌تبار ساکن آمریکا- گویاتر است؛ بنابراین مقاله، در مرحله‌ی بعد، با بهره گیری از آراء سوروکین، به تبیین تحولات اجتماعی- فرهنگی و نقش آن در تکوین سبک‌های هنری پرداخته است.

گام پایانی نیز به تبیین و تفسیر موارد مشابه و سپس «نتیجه‌گیری» اختصاص دارد.

سبک‌های معماری مساجد

در جهان اسلام، چهار دبستان اصلی در معماری وجود دارد که عبارت است از شیوه‌ی مصری، شیوه‌ی شامی، شیوه‌ی مغربی و شیوه‌ی ایرانی (پیرنیا ۱۳۸۰، ۲۰-۲۳).

شیوه‌ی ایرانی که زمانی چندهزار ساله را شامل می‌شود؛ در شش سبک جداگانه قابل بازشناسی است که عبارتند از: سبک‌های پیش از اسلام پارسی و پارتی و سبک‌های دوره‌ی اسلامی، یعنی: خراسانیِ، رازی، آذری و اصفهانی (همان، ۲۴). مبنای این نام‌گذاری، خاستگاه هر یک از سبک‌هاست.

از آن جا که پژوهش حاضر بر سبک‌شناسی معماری مساجد تمرکز دارد؛ سبک‌های پیشااسلامی، از دایره‌ی این بحث خارج است. بنابراین، مطالعه‌ی سبک‌های معماری مساجد با سبک خراسانی آغاز می‌شود[1].

www.SID.ir

Archive of SID

شیوه‌ی خراسانی

شیوه خراسانی، در فاصله‌ی قرون اول تا چهارم هجری رواج داشت. در بین ویژگی‌های معماری سبک خراسانی می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- سادگی بسیار در طراحی، ۲- نوع مصالح به کار رفته بومی است، ۳- پرهیز از بیهودگی، ۴- مردم‌واری، ۵- تأثیرپذیری از معماری دوره‌ی ساسانی.

تصویر ۱. مسجد جامع فهرج (مأخذ: آرشیو بهمن سلطان احمدی)
در این تصویر سادگی و تأثیرپذیری از معماری ساسانی (از جمله در تاق‌های مسجد که به شکل نیم‌استوانه ساخته شده‌اند) مشهود است. دیوارها از گلِ فهرج و ستون‌ها از خشت خام ساخته شده. قوس‌ها گچی است و دیوارها با گل محلی آغشته شده است.

شیوه‌ی رازی

این شیوه از قرن چهارم تا نیمه‌ی اول قرن هفتم رواج داشت. در بین ویژگی‌های شیوه رازی می‌توان به این موارد اشاره کرد:
۱. استفاده از مصالح مرغوب (از جمله سفال لعاب‌دار یا بی‌لعاب).
۲. بهره‌گیری از گونه‌های نگاره با خطوط شکسته و مستقیم که اغلب با آجر کار شده است.
۳. گره‌سازی با آجر و کاشی
۴. استفاده از گچ‌تراش برای تزئین
۵. تاق پتکانه
۶. چهارایوانی شدن مسجد و نیز احداث گنبدخانه و مرکزیت یافتن آن.

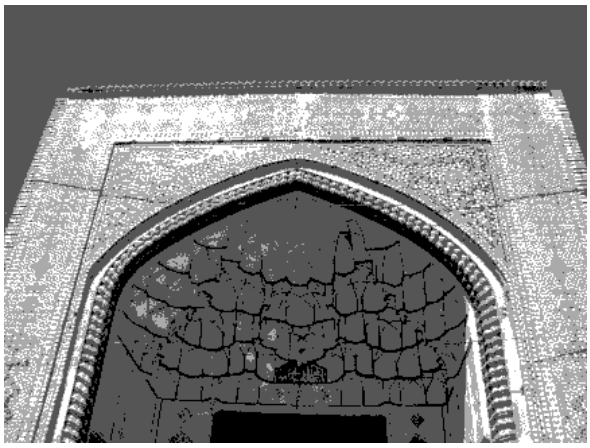

تصویر ۲. مقرنس کاری مسجد جامع اصفهان (مأخذ: آرشیو بهمن سلطان احمدی)
قوس تیزه‌دار یا جناقی و نیز گره‌سازی با آجر و کاشی که در این تصویر دیده می‌شود؛ از ویژگی‌های بناهای سبک رازی است.

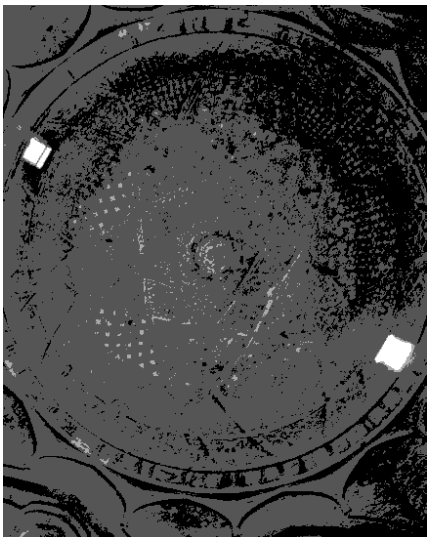

تصویر ۳. گنبدخانه‌ی نظام الملک مسجد جامع اصفهان (مأخذ: آرشیو بهمن سلطان احمدی) لباس معماریِ گنبدخانه از آجر است. گنبد و چهل‌ستون‌های اطراف آن که در ایوان جنوبی مسجد واقع شده؛ در فاصله سالهای ۴۶۵ تا ۴۸۵ هجری قمری بنا شده است. در این گنبد زیباترین طرحهای تزئینی ساخته شده از آجر و گچ به چشم می‌خورد.

www.SID.ir

Archive of SID

شیوه‌ی آذری

این شیوه از زمان هولاکو خان مغول آغاز می‌شود و تا قرن دهم ادامه می‌یابد. ویژگی‌های شاخص این شیوه عبارت است از:

۱. بهره‌گیری بیشتر از هندسه در طراحی معماری

۲. گوناگونی طرح‌ها

۳. ساختِ بناهای بزرگی که در شیوه‌های پیشین مانند نداشت. همچنین کاربرد انواع نقشه با میانسرای چهار ایوانی در ساخت مساجد

۴. ایجاد دگرگونی‌هایی در نیارش ساختمان

۵. در این شیوه، پس از سفت‌کاری «آمود و نماسازی به آن افزوده می‌شد؛ در نماسازی کم‌کم از کاربرد آجر کاسته شد و جای آن را کاشی (سفال لعاب‌دار) و سفال نگارین با نگاره برجسته (مُهری) گرفت. کاشی تراش یا معرق‌کاری در این شیوه بسیار پیشرفت کرد... بهره‌گیری از کاشی هفت‌رنگ و کاشی خشتی در برخی ساختمان‌ها باب شد» (پیرنیا ۱۳۸۰، ۲۱۹-۲۲۲).

۶. ظرافت بناها: «ظرافت عناصر ساختمانی یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های این شیوه‌ی معماری است» (خزاعی و دیگران ۱۳۹۳، ۵).

تصویر ۴. مسجد گوهرشاد (مأخذ: آرشیو بهمن سلطان احمدی)
کاشی‌های معرق بنا در رنگ‌بندی و ترکیباتی متوازن ارائه شده است.

تصویر ۵. مسجد کبود تبریز (مأخذ: آرشیو بهمن سلطان احمدی)
این گنبدخانه نسبت به گنبدخانه‌های سبک‌های پیشین، شفافیت فضایی بیشتری دارد. تنوع و ظرافت کاشی‌کاری و انواع خطوط به‌کاررفته در آن، به‌خصوص به دلیل رنگ لاجوردی و کاشی‌کاری‌های معرق آن سبب شده‌است که به «فیروزه‌ی اسلام» شهرت یابد.

شیوه‌ی اصفهانی

این شیوه، از زمان قره قویونلوها آغاز می‌گردد و تا دوره قاجار ادامه می‌یابد.

ویژگی‌های سبک اصفهانی عبارت است از:

۱. ساده شدن طرح‌ها

۲. بهره‌گیری از هندسه‌ی ساده و استفاده بیشتر از شکل‌ها و خط‌های شکسته

۳. کمتر شدن نخیز و نهاز در تهرنگ ساختمان‌ها و رواج گوشه‌های پخ

۴. استمرار پیمون‌بندی و بهره‌گیری از اندام‌ها و اندازه‌های یکسان در ساختمان

۵. کاربرد همه‌گونه‌ی تاق و گنبد

۶. وجود برخی کاستی‌ها در این شیوه از جمله: دگرگون کردن برخی ساختمایه‌ها قبل از استفاده، ساخت خوانچه‌ها و پوشش‌های آویخته و دروغین، بی‌باکی و جسارت بیش از اندازه در پوشش گنبدها و به ویژه کلاه‌فرنگی‌ها، آزادی بی‌حساب در نهادن جرزها و ستون‌های باربر بر روی تاق‌های زیرین و حتی کانه‌ها و بسیاری از این دست که همگی از سر شتاب در ساختمان‌سازی بود.

www.SID.ir

Archive of SID

۷. بهره‌گیری از همه‌ی آمودهای شیوه‌ی پیشین (پیرنیا ۱۳۸۰، ۲۷۹– ۲۸۲).

۸. کم شدن شکوه هنری؛ مساجد این دوره، دیگر شکوه مساجد پیشین را ندارد. مثلاً مسجد امام اصفهان، یکی از نمونه‌ی برجسته این سبک، «با همه‌ی زیبایی و ظرافت، باز هم شکوه مسجد جامع را ندارد» (پیرنیا ۱۳۸۰، ۲۹۳).

شیوه‌ی معماری اصفهانی پس از دوره‌ی اوج خود در عصر صفوی، به تدریج رو به افول رفت. «دوره‌ی دوم آن، زمان پسرفت (انحطاط) این شیوه است که در واقع از زمان افشاریان آغاز شد و در زمان زندیان دنبال شد ولی پسرفت کامل از زمان محمد شاه آغاز شد و دگرگونی‌های معماری تهران و شهرهای نزدیک به آن آشکار شد» (پیرنیا ۱۳۸۰، ۲۷۲).

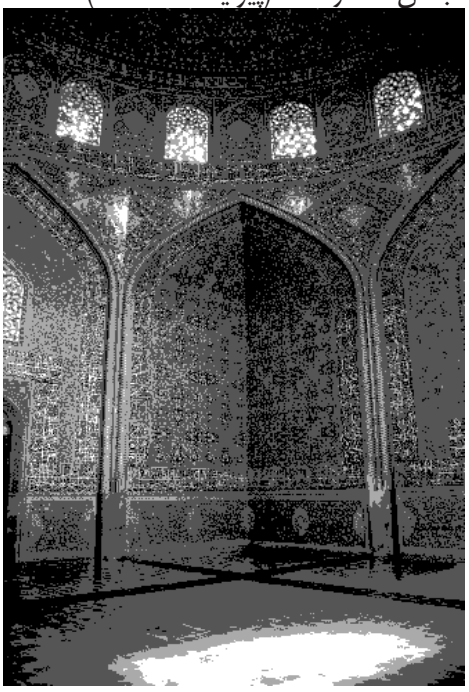

تصویر ۶. مسجد شیخ لطف الله اصفهان (مأخذ: آرشیو بهمن سلطان احمدی) طراحی جزئیات بنا بسیار قوی است. کاشی‌کاری‌ها به دو شیوه معرق و خشتی هفت‌رنگ است. برای تنظیم و تلطیف نور گنبدخانه، دریچه‌های مشبکی به شکلی استادانه در زیرساقه یا گلوگاه گنبد تعبیه شده است. نقوش ترنجی سطوح کم‌نظیر است.

در پایان بحث معماری باید یادآور شد «خلق آثار عمده‌ی معماری اسلامی بخصوص در دو نوع اصلی مسجد و قصر تجلی می‌نماید. در این دو نوع بناست که شیوه و سبک معماری اسلامی به روشنی جلوه‌گر می‌گردد» (هوگ و مارتن ۱۳۷۵، ۲۰). این سخن شامل معماری ایران نیز می‌شود. «در واقع آن‌چه که به عنوان روح معماری ایرانی شناخته می‌شود؛ در منتهای مراتب در مسجد ایرانی ظهور یافته است» (بهشتی ۱۳۸۹، ۹). بنابراین آن‌چه در خصوص سبک‌های معماری مساجد گفته شد؛ قابل تعمیم به دیگر بناها نیز هست و کل معماری ایران، در همه‌ی اشکال و ظهورات آن را شامل می‌شود.

سبک‌های شعر فارسی

هر چند در دوره‌ی پیشا اسلامی نیز– که به لحاظ مطالعات تاریخیِ زبان، دوره‌های «باستانی» و «میانه» را در برمی‌گیرد؛ شعر وجود داشته است؛ اما از آن جا که زبان فارسی دری، زبانی است که از بعد از ظهور اسلام در ایران رواج یافت، به طور طبیعی بحث از سبک‌های شعر فارسی، دوره‌ی قبل از اسلام را در بر نمی‌گیرد.

در بین تقسیم‌بندی‌های مختلفی که از سبک‌های شعر کلاسیک فارسی شده، تقسیم آن به سه سبک اصلی خراسانی، عراقی و هندی، از همه معروف‌تر و پذیرفته‌تر است. مبنای این نام‌گذاری، منطقه‌ی رواج هر یک از سبک‌هاست. پس از سبک هندی، در بین شاعران گرایش به تقلید از سبک قدما پیش آمد که از آن، به «دوره‌ی بازگشت ادبی» یاد می‌کنند. باید توجه نمود «بازگشت ادبی» هر چند سبک جدیدی نبود؛ اما جریان ادبی مهمی محسوب می‌شود.

سبک خراسانی

از زمان سرایش اولین شعرها به زبان فارسی دری، تا پایان قرن پنجم، یگانه سبک رایج، سبک خراسانی بود. این سبک در قرن ششم نیز یک‌باره از میان نرفت و به موازات جریان‌های شعری نو ظهور، همچنان به حیات خود ادامه داد.

ویژگی‌های سبک خراسانی عبارت است از:

الف) زبان ساده، روان و نزدیک به محاوره، که یا به طور کلی عاری از واژگان عربی است؛ یا بسامد واژگان عربی در آن بسیار اندک است.

www.SID.ir

Archive of SID

ب) اشتمال بر پاره‌ای واژگان کهن.
پ) در این دوره، قالبِ رایج شعری در درجه اول، قصیده و در درجه‌ی دوم، مثنوی است. مضمون اصلی در قصیده، مدح و توصیف، و در مثنوی، حماسه است. در این عهد، توجه به حماسه نه تنها از طریق حماسه‌سرایی تحقق یافته است؛ بلکه اصولاً دیگر قالب‌های شعری نیز، از روحیه‌ی حماسی برکنار نیستند.
ت) استفاده از آرایه‌های ادبی در ابتدا اندک بوده؛ اما هرچه جلوتر می‌رود؛ حضور بیان و بدیع در شعر تشخص بیشتری می‌یابد تا این که به حد اعتدال می‌رسد و در هر حال صنایع لفظی بیش از صنایع معنوی کاربرد دارد.
ث) قافیه و در صورت وجود، ردیف ساده و کوتاه است.
ج) به طور کلی شعر سبک خراسانی شعری برون‌گرا، طبیعت‌گرا و واقع‌گراست. نمونه‌هایی از واقع‌گرایی در این دوره هم در روابط عاشق و معشوق دیده می‌شود و هم در توصیفاتی که از برخی جنگ‌ها شده است؛ مثلاً قصیده‌ی فتح سومنات فرخی، اطلاعات دقیقی از لشگرکشی سلطان محمود غزنوی به هند، به خواننده ارائه می‌دهد.
چ) انعکاس معارف اسلامی در شعر این دوره بسیار کم است، اما در عوض فرهنگ پیش از اسلام به اشکال مختلف در آن تجلی یافته است.
ح) تأثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی موجود و نیز وجود بقایای روحیه ایرانیان کهن، شعر این دوره را شاد و پرنشاط و آکنده از روحیه تساهل و خوشباشی کرده است (شمیسا ۱۳۷۴، ۶۶).
خ) عقل‌گرایی و تعادل، ویژگی عمومی شعر این دوره است.

شیوه‌ی دوره‌ی سلجوقی

این شیوه حد واسط سبک خراسانی و عراقی است و به دو مکتب جداگانه تقسیم می‌شود:
۱. مکتب آذربایجانی، یعنی شعری که در ناحیه‌ی ارّان بالید و نمایندگان برجسته‌ی آن نظامی و خاقانی هستند. در این شیوه، زبان سبک خراسانی با اندیشه و مختصات ادبی سبک عراقی که یک قرن بعد رواج می‌یابد؛ تلفیق می‌شود. همچنین به علت دوری از مرکز رواج زبان فارسی ویژگی‌های دیگری نیزدر آن راه می‌یابد؛ به طوری که تبدیل به سبکی مستقل می‌گردد. ویژگی‌های مهم مکتب آذربایجانی بدین قرار است: وفور ترکیبات نو، تعدد لغات و اصطلاحات عربی، فقدان برخی از واژگان کهن سبک خراسانی و کم شدن نسبی بسامد برخی از مختصات قدیم، کاسته شدن از سادگی و روانی و حرکت به سوی دشواری و تعقید، ورود لغات ترکی، اشاره به قرآن و حدیث و ضرب‌المثل عربی، اشاره به تلمیحات مسیحی، ایران دوستی و توجه به معارف ایران باستان، ظهور شعر عرفانی–شرعی، افول شعرحماسی، اشاره به علوم گوناگون، تعصب‌ورزی در دین، انتقاد اجتماعی، مطرح بودن انواع شعر(شعر عرفانی و شرعی، حبسیه، هجویه، داستان‌سرایی و...)، به کار گیری انواع ردیف‌های دشوار، پیدایش و رشد غزل در کنار قصیده، توجه به صنایع بدیعی و بیانی، مشکل بودن شعر و نیاز آن به شرح، بهره‌گیری از انواع تصویرسازی (شمیسا ۱۳۷۴، ۱۷۶– ۱۸۴).
۲. سبک جدید بینابین، «سبکی است بین خراسانی و سبکی که بعدها شکل می‌گیرد و به آن سبک عراقی می‌گویند. شاعران این دوره مانند انوری و ظهیر دوجنبه‌ای هستند هم قصیده می‌گویند و هم غزل. غزل آنان متمایل به سبک عراقی و قصیده‌ی آنان متمایل به سبک خراسانی است بدون این که دقیقاً این یا آن باشد» (شمیسا ۱۳۷۴، ۱۰۷).
یکی از نکات درخور توجه در باره شعر سبک بینابینِ عهد سلجوقی، ورود گسترده مفاهیم عرفانی به شعر است. هر چند تا قبل از این زمان نیز، ابیاتی پراکنده با مفاهیم عرفانی سروده شده بود؛ اما در این دوره، سنایی « نخستین بار به طور جدی مطالب عرفانی را به شعر وارد کرد» (شمیسا ۱۳۷۴، ۱۱۴) امری که به سرعت رواج یافت و در قرن هفتم با ظهور مولانا به اوج کمال خود نائل آمد.
خاقانی، یکی از نام‌آورترین شاعران مکتب آذربایجانی است. قصیده ایوان مداین او، با مطلع:

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان
ایوان مدائن را آیینه عبرت دان
(خاقانی ۱۳۶۸، ۳۵۸–۳۶۰)

یکی از مصادیق شعر مکتب آذربایجانی است؛ که به خوبی ویژگی‌های مختلف این مکتب را باز می‌نمایاند؛ از جمله ایران‌دوستی و توجه به معارف ایران باستان، اشاره به معارف اسلامی (از جمله تلمیحات قرآنی)، اشاره به علوم گوناگون،

www.SID.ir

Archive of SID

توجه به انواع آرایه‌های ادبی مانند تشبیه، استعاره (خصوصاً تشخیص)، تلمیح، تضاد، مبالغه، جناس، مراعات نظیر، سجع، ایهام، کاسته شدن از سادگی و روانی و حرکت به سوی دشواری، فقدان برخی واژگان کهن سبک خراسانی، به کارگیری ترکیبات نو و استعمال اصطلاحات عربی.

سبک عراقی

سبکی بود که در قرون هفتم تا نهم رواج داشت یعنی از حمله مغول تا دوره‌ی تیموری. البته پاره‌ای از پژوهشگران معتقدند «سبک عراقی هنوز هم از رواج نیفتاده است زیرا برخی زمینه‌های اجتماعی آن از بین نرفته است» (نوبخت ۱۳۷۳، ۳۵).

هر چند مقدمات تغییر سبک از قرن ششم آغاز گشته بود؛ اما با حمله‌ی مغول‌ها در قرن هفتم تثبیت شد. حمله‌ی ویران‌گر مغول، نابودی کلیه مراکز علمی و فرهنگی را به دنبال داشت. نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر تحولی چنین ژرف، در شرایط اجتماعی و فرهنگی، تغییر سبک ادبی بود.

ویژگی عمومی این دوره، روحیه‌ی مأیوس مردمی بود که جان، مال، آبرو و همه‌ی ارزش‌ها و معتقدات خود را از حمله چنگیز تا یورش امیرتیمور مورد تعرض اقوام بیگانه یافتند؛ بدون آن که توان مقابله با آن‌ها را داشته باشند. این اوضاع نابسامان، روحیه‌ی اعراض از دنیا، جبرگرایی افراطی و روی آوردن به تصوف و عرفان را در مردم به وجود آورد.

ویژگی‌های برجسته سبک عراقی عبارت است از:

الف) نفوذ عرفان در شعر (شعر عرفانی این دوره از شرع و پند و اندرز و اخلاق دور شده است؛ بنابراین در این دوره، عرفان ناب عاشقانه وجود دارد.)

ب) رواج قالب غزل

پ) بسیاری از مختصات کهن زبان، جای خود را به مختصات جدید داده است از جمله تحول در نحو زبان، زیاد شدن واژگان عربی و کم شدن بسامد مفردات غنی فارسی.

ت) توجه زیاد به علوم بلاغی.

ث) اندوه‌زدگی، درون‌گرایی و واقعیت‌گریزی، به ویژه در رابطه عاشق و معشوق (در شعر این دوره، مقام معشوق چنان والاست که در شعر عاشقانه ممکن است با معبود اشتباه شود.)

ج) خردگریزی و فلسفه‌ستیزی (در شعر این دوره ستایش عشق، جای‌گزین ستایش خرد شده است.)

چ) آرمان‌گرایی

ح) جای‌گزین شدن ظرافت هنری به جای صلابت و فخامت ادبی.

در پایان بحث مربوط به سبک عراقی باید یادآور شد سه تن از چهار شاعر طراز اول کل تاریخ ادبیات فارسی –سعدی، مولانا و حافظ– در این شیوه طبع‌آزمایی کرده‌اند.

به عنوان نمونه در بررسی غزلی از حافظ با مطلع:

یاری اندر کس نمی‌بینیم یاران را چه شد

دوستی کی آخر آمد دوستداران را چه شد

(حافظ ۱۳۷۱، ۱۸۵)

مشاهده می‌شود که این شعر در اوج درخشش هنری، با زبانی جدید و به دور از ویژگی‌های فارسی کهن مشتمل بر ستایش عشق، علو مقام معشوق، فراق، آرمان‌گرایی، اندوه‌زدگی، توجه به دنیای درون و عرفان است. استفاده‌ی هنرمندانه از انواع آرایه‌های ادبی خصوصاً ایهام نیز، دیگر ویژگی این شعر است. گذشته از این‌ها پیداست که از سادگی سبک دوره‌ی قبل فاصله گرفته و قدری متکلف‌تر شده است.

مکتب وقوع و واسوخت

از آن جا که در شعر سبک عراقی، واقعیت‌گریزی شاعران از حد گذشته بود؛ در قرن دهم –یعنی حد واسط سبک‌های عراقی و هندی– شیوه‌ای در شاعری ایجاد شد که به نام «مکتب وقوع» معروف گشت. اساس این مکتب را بیان توصیفات واقعی از عاشق و معشوق و رابطه‌ی آن‌ها تشکیل می‌دهد.

سبک هندی (اصفهانی)

با روی کار آمدن صفویه و تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی، به تدریج سبکی به وجود آمد که بعدها به نام سبک هندی (اصفهانی) معروف شد.

ویژگیهای سبک هندی

الف) از طریق ورود واژگان محاوره‌ای، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عامیانه به شعر، زبان شاعران به زبان کوچه و بازار نزدیک شد تا آن‌جا که حتی گاه به سستی گرایید.

ب) به لحاظ معنا، هر چند شعر سبک هندی مشحون از

www.SID.ir

Archive of SID

مضامین نو و بدیع است؛ اما در مجموع، در این سبک اثری هم‌پایه‌ی آثار بزرگ سبک خراسانی و عراقی و یا شاعری هم‌سنگ اساتید قدیم یافت نمی‌شود.

پ) قالب اصلی در این سبک غزل است؛ غزلی که اغلب از به هم پیوستن تک‌بیت‌هایی مستقل فراهم آمده و تنها عامل پیوند ابیات، قافیه و ردیف است؛ نه وحدت موضوعی. علاوه بر این، غزل سبک هندی –بر خلاف شیوه‌های پیشین– محدودیتی از نظر تعداد بیت‌ها ندارد و از دو تا چهل بیت در نوسان است.

ت) بسامد استفاده از صنعت تشخیص در این سبک زیاد است.

ث) استفاده‌ی افراطی از تشبیه، استعاره و مجاز

ج) واقع‌گرایی: «واقع‌نگری پیش از این در سبک خراسانی نیز عنصر برجسته‌ای بود ولی کیفیت برخورد با آن و برداشت از آن با سبک هندی متفاوت بود. واقع‌نگری در سبک خراسانی عمدتاً وصف واقعیت بیرونی است به سادگی، و بدون استفاده‌ی افراطی از تشبیه و استعاره و ایهام و غیره. حالِ آن که در سبک هندی مناسبات واقعی، در ذهن شاعر اصولاً دگرگون شده، پیچیده‌تر شده؛ معنای دیگر پیدا می‌کنند» (و از این نظر بی‌شباهت با سوررئالیسم نیست)» (شمس لنگرودی ۱۳۶۶، ۸۸– ۸۹). به عبارت دیگر، واقع‌نگری و واقع‌گویی شاعر با نازک خیالی همراه است. نازک خیالی، خود، از مهم‌ترین ویژگی‌های این سبک محسوب می‌شود.

چ) نازک‌خیالی: این ویژگی در سبک هندی بیشتر تحت تأثیر «اندیشه‌ها و باریک‌بینی‌ها و خیال‌بافی‌های تفکر هندی» (فاروق فلاح ۱۳۶۰، ۱۶۶) بود؛ زیرا «مردمی که در هندوستان نشو و نما می‌کنند از مضامین دقیق و معانی پیچیده لذت می‌برند و مانند گل می‌شکفند» (حمیدی،۱۳۶۴، ۱).

ح) دقت در جزئیات.

خ) اغراق.

ذبیح الله صفا خاطرنشان می‌سازد «این دوره‌ی ممتد که از جهت سیاسی و مدنی و اقتصادی و هنری یکی از ادوار بسیار مهم تاریخ ایران است؛ از حیث علم و ادب چنانکه باید مهم نیست. ادبیات فارسی در عهد صفویان از بعضی جهات در مراحلی از ترقی و از پاره‌ای جهات در انحطاطی عجیب سیر می‌کرد و بر روی هم نقاط ضعف آن بیشتر بود» (صفا ۱۳۶۸، ۷۵).

کلیم کاشانی، یکی از بزرگترین شاعران سبک هندی است که به عنوان نمونه بررسی غزلی از او با مطلع:

که خریدی ز غم گردش دوران ما را
دیده گر مفت نمی‌داد به توفان ما را
(شمس لنگرودی ۱۳۶۶، ۱۷۹–۱۸۰)

نشان می دهد که اغلب ویژگی‌های سبک هندی از جمله مضمون‌آفرینی، واقع‌گویی، عدم استحکام محور عمودی شعر، کاربرد واژگان محاوره ای و ضرب‌المَثل‌های عامیانه، بهره‌گیری از آرایه‌ی تشخیص و... در آن مشاهده می‌گردد.

بازگشت ادبی

در اواخر دوره‌ی صفوی، به تدریج سبک هندی در ایران، و نه در هند و افغانستان، رو به افول گذاشت. به طور کلی در تاریخ ادبیات فارسی حد فاصل فروپاشی دولت صفویه تا سلطنت فتحعلی شاه را که دوره‌ی ضعف زبان و شعر فارسی است، دوره‌ی فترت می‌نامند. شاعران دوره‌ی فترت، عموماً علاقه‌ای به پیروی از سبک هندی نداشتند؛ زیرا این شیوه را «مخل اصول فصاحت و بلاغت زبان فارسی می‌دانستند» (صفا ۱۳۶۸، ۹۳). بنابراین تصمیم گرفتند به سبک استادان سبک خراسانی و عراقی شعر بگویند.

باید به خاطر داشت که «بازگشت ادبی» سبک جدیدی نیست؛ بلکه در واقع بازگشت به سبک‌های قدیم شعر فارسی است.

جز این‌که « ارزش شعر دوره‌ی بازگشت این است که مشتمل بر نقاوه و خلاصه‌ای از همه‌ی سبک‌ها و جریانات مهم ادبی در دوره‌های قبل است. نهضت بازگشت، به اعتباری، نگاهی دوباره به میراث کهن ادبی بود و می‌توان برای آن همانندهایی در ادبیات دیگر اقوام نیز یافت؛ از جمله در قرن هفدهم میلادی نهضت کلاسیسم اروپا سعی در تقلید از آثار بزرگ ادبی یونان و لاتین دارد و در ادبیات عرب هم جریان حرکت الاحیا در مصر در اوایل قرن بیستم، به تقلید از امثال ابوتمام و متنبی می‌پردازند» (شمیسا ۱۳۸۲، ۳۰۹ با اندکی تصرف).

www.SID.ir

Archive of SID

همانندی‌های سبک های شعر و معماری

سبک‌های شعر فارسی و معماری مساجد ایران به اجمال بررسی شد. در این جا برای آن که کار مقایسه راحت‌تر انجام پذیرد؛ همانندی‌ها در چارچوب چند جدول بیان شده‌است. از آن جا که پیش از این در همه‌ی موارد، مآخذ مورد استفاده در بحث‌های مشروح معماری و شعر ذکر شده‌اند؛ از سندآوری مجدد در این جداول پرهیز شده‌است.

جدول ۱. ویژگی‌های مشترک سبک خراسانی در شعر و معماری

ویژگی	شعر	معماری
سادگی	سادگی شعر در حوزه زبان، اندیشه و جنبه‌های ادبی (کاربردِ ردیف، قافیه و آرایه‌های ادبی)	سادگی مساجد در طراحی و تزئینات
بوم‌آورد بودن مصالح هنری	بسامد بالای واژگان فارسی و بسامد پایین لغات عربی	کاربرد مصالح بومی در ساخت بناها
تأثیرپذیری از فرهنگ پیش از اسلام	تجلی فرهنگ پیش از اسلام	وجود عناصری از معماری عهد ساسانی در بنای مساجد
توجه به واقعیت	گرایش به واقعیت، طبیعت، تعادل و عقل	واقع‌گرایی، مردم‌واری و پرهیز از بیهودگی در معماری مساجد

جدول ۲. ویژگی‌های مشترک سبک معماری رازی و شعر سبک سلجوقی

ویژگی	شعر	معماری
تغییر مصالح	وفور ترکیبات نو، فراوانی لغات و اصطلاحات عربی و ورود واژگان ترکی (هر چند ورود گسترده‌ی واژگان بیگانه از خلوص زبان پارسی کاست، ولی تحول زبانی در این دوره، زبان شعر را پخته‌تر ساخت.)	تغییر نوع مصالح (مثلاً استفاده از سفال لعابدار یا بی‌لعاب)
توجه بیشتر به تزئینات و آرایه‌ها	توجه به انواع صناعات ادبی از جمله بدیع، بیان، به کارگیری ردیفهای دشوار و...	بهره‌گیری از انواع نگاره با خطوط شکسته و مستقیم، گره‌سازی با آجر و کاشی، گچ‌تراش، مقرنس‌کاری، تاق پتکانه و...
انعکاس عظمت و مجد ایران باستان	ایران دوستی درشعر مکتب آذربایجانی	توجه به ساخت گنبدخانه‌ی بناهای چهار ایوانی، نوعی تمایل به بازگشت به گذشته، و ستایشِ گذشته‌ی غرورآفرین به شمار می‌آید.
توجه بیشتر و افزونتر به وجوه معنوی	رواج مفاهیم عرفانی در شعر فارسی	عمومیت یافتن ساخت گنبدخانه در مساجد دوره سلجوقی (از آن‌جا که «گنبد نماد آسمان و مقصد عروج انسان است و بستر سلوک روحانی و عرفانی او را فراهم می‌کند» (بمانیان و دیگران ۱۳۸۹، ۶۷)؛ رواج گنبدخانه را می‌توان نمودی از معنوی‌تر شدن فضای معماری به شمار آورد).

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۳. ویژگی‌های مشترک شیوه‌ی آذری در معماری و سبک عراقی در شعر

ویژگی	شعر	معماری
ظرافت هنری	ظرافت هنری- ادبی	ظرافت بناها
تحول و دگرگونی نسبت به دوره قبل	تحول در نحوِ زبان («نحو» به اعتباری همان طَراحی زبان است).	تحول در طراحی از طریق به کارگیری هندسه قوی
توجه بیشتر به تزئینات هنری	توجه زیاد به آرایه‌های ادبی	توجه زیاد (نسبت به دوره‌ی قبل) به تزئینات بناها
سیر از سادگی به سمت تکلف	حرکت از سادگی به سوی تکلف در کاربرد آرایه‌های ادبی و نیز در مواد و مصالح شعر (واژگان و ترکیبات زبان)	حرکت از سادگی به سوی تکلف در تزئینات بناها و مصالح معماری
اوج درخشش هنری	سه شاعر از چهار شاعر برجسته‌ی ایران (سعدی، مولانا و حافظ) متعلق به این عصر هستند.	بیشترین درخشش معماری در این سبک نمود یافته است: مسجد کبود تبریز، مسجد گوهرشاد، بخش‌هایی از مساجد جامع اصفهان و یزد، مسجد جامع ورامین، مسجد میر چخماق، مسجد جنت‌سر از مجموعه شیخ صفی اردبیلی و... همه محصول این دورانند.

در دو مورد پیشین (سبک‌های خراسانی/ خراسانی و رازی/ سلجوقی) سبک‌های معماری و شعر، تا حدودی هم‌پوشانیِ زمانی داشتند؛ اما رواج شیوه‌ی آذری دقیقاً در همان دوره‌ی سبک عراقی است.

شاید تصادفی نباشد که پایان ساخت مسجد کبود تبریز (۸۷۰ ق) که برخی آن را «آواز قوی شیوه آذری» می‌دانند (پیرنیا ۱۳۸۰، ۲۶۶)؛ با پایان زندگی جامی (۸۷۱ ق) -که خاتم شعرای سبک عراقی لقب گرفته- تقریباً هم‌زمان است.

سبک اصفهانی

سبک اصفهانی در شعر -که به «هندی» نیز شهرت دارد- در عهد صفویان رواج داشت. شاهکارهای معماری شیوه‌ی اصفهانی نیز متعلق به همین دوران است.

سیاست مذهبی صفویه سبب شد شاهان این سلسله با دو رویکرد کاملاً متفاوت (بی‌توجهی تامّ به شعر و حمایت زیاد از معماری و صنایع وابسته به آن) با هنرمندان معمار و شاعر برخورد کنند؛ بنابراین انتظار می‌رود که این دو هنر، دو مسیر متضاد را طی کرده باشند؛ اما ظاهراً حضور عاملی قوی‌تر مانع از این امر می‌شود؛ عاملی که در ادامه، به آن پرداخته شده‌است. بنابراین شیوه‌ی اصفهانی در معماری و شعر نیز، مانند سبک‌های پیشین، شباهت‌های قابل توجهی با یکدیگر دارند. به برخی از این شباهت‌ها در جدول ۴، اشاره شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول ۴. ویژگی‌های مشترک سبک اصفهانی در شعر و معماری

ویژگی	شعر	معماری
تحول در مواد و مصالح، تا آن جا که عامل ضعف اثر هنری گردید.	مصالح شعر (واژگان) دگرگون شد به این معنا که از طریق ورود واژگان محاوره‌ای، اصطلاحات و ضرب‌المثل های عامیانه به شعر، زبان شاعران به زبان کوچه و بازار نزدیک شد تا آن جا که گاه حتی به سستی گرایید[۲]	در این شیوه دگرگون کردن مصالح پیش از استفاده، کیفیت ساختمان را پایین آورده و به فن ساختمان نیز آسیب زده است (پیرنیا۱۳۸۰، ۲۸۱).
تنوع طلبی	مضمون آفرینی(تنوع در مضامین)، از ویژگی‌های مهم شعر سبک اصفهانی است به طوری که شعر این دوره، مشحون از مضامین نو و بدیع است.	در این شیوه، همه‌گونه تاق و گنبد ساخته شد. گنبدهای گسسته میان تهی نیز در بیشتر ساختمان‌های این شیوه به زیبایی دیده می‌شوند. همچنین همه‌ی آمودهای شیوه‌های پیشین مورد استفاده قرار گرفت.
دیریاب بودن	ابهام و پیچش‌های سبک اصفهانی، معنا و مفهوم شعر را برای خواننده دیریاب می‌کند. گویا اعتقاد بر این بوده که انتظار، «طالب» را بیشتر قدردان می‌کند.	ابهام و پیچش‌های سبک اصفهانی، معنا و مفهوم شعر را برای خواننده دیریاب می‌کند. گویا اعتقاد بر این بوده که انتظار، «طالب» را بیشتر قدردان می‌کند.
واقع‌گرایی	واقع‌نگری و واقع‌گویی	مردم‌واری
عدم پایبندی به برخی قیدهایی که هنرمندان سبک‌های پیشین، خود را مقید به رعایت آن می‌دانستند.	شاعر خود را پایبند رعایت وحدت، در محور عمودی اشعار نمی‌داند. برخلاف ادوار قبل، غزلیات این سبک از به هم پیوستن تک‌بیت‌هایی مستقل ساخته شده و تنها عامل پیوند ابیات ردیف و قافیه است. علاوه بر این شاعر این سبک محدودیتی برای تعداد ابیات غزل قایل نیست و ابیات، از دو تا چهل بیت در نوسان است. افزون بر اینها، افراط در نازک‌خیالی و مضمون‌آفرینی در این شیوه، گاه شعر را سست و کم‌ارزش می‌کند.	آزادی بی‌حساب در نهادن جرزها و ستون‌های باربر روی تاق‌های زیرین، بی‌باکی و جسارت زیاد در پوشش گنبدها و به ویژه کلاه‌فرنگی‌ها؛ ساخت خوانچه‌ها و پوشش‌های آویخته و دروغین
کم شدن شکوه هنری	شعر سبک اصفهانی (هندی)، هر چند مشحون از مضامین نو و بدیع است؛ اما به هیچ وجه هم‌سنگ آثار شاعران بزرگ سبک خراسانی و عراقی نیست.	مساجد این دوره دیگر شکوه و عظمت مساجد پیشین را ندارند؛ حتّی مسجد امام (مسجد شاه) اصفهان که یکی از دو قله‌ی رفیع معماری مساجد دوره‌ی صفوی است –به اعتقاد برخی از پژوهشگران– با وجود همه‌ی زیبایی و ظرافت، شکوه برخی مساجد پیشین مانند مسجد جامع اصفهان را ندارد (پیرنیا ۱۳۸۰، ۲۹۱).
رکود و پسرفت در پایان این دوره	در تاریخ ادبیات فارسی دوره‌های افشاریه و زندیه را که دوره‌ی ضعف زبان و شعر پارسی است؛ «دوره فترت» می‌نامند.	دوره‌ی دوم سبک اصفهانی را که از زمان افشاریان آغاز شد و در زمان زندیان ادامه یافت؛ اغلب دوره رکود و پسرفت معماری می‌دانند (پیرنیا ۱۳۸۰، ۲۷۲).

www.SID.ir

Archive of SID

لازم به ذکر است که در همه‌ی سبک‌های چهارگانه‌ی شعر و معماری، گاه خصوصیات دو شیوه‌ی مختلف، در قامت اثر هنری واحدی تجلی می‌یابد؛ مثلاً شعری که برخی ویژگی‌های آن با سبک خراسانی مطابقت دارد و برخی دیگر با سبک عراقی و یا مسجدی که ویژگی‌های دو سبک مختلفِ معماری را در خود دارد؛ نه به آن علت که بخش‌های مختلف آن در دو زمان متفاوت ساخته شده؛ بلکه به آن علت، که هنرمندیِ واحد، تمایل به تلفیقِ هم‌زمانِ دو شیوه داشته است. مثلاً مسجد جامع نایین «در شیوه‌ی رازی ساخته شده؛ اما ویژگی‌های شیوه خراسانی را داراست» (پیرنیا ۱۳۸۰، ۱۴۷).

تبیین تحولات سبک‌شناختی بر مبنای آراء سوروکین

انواع هنرها –و از جمله شعر و معماری– تجلی‌گاه ذهن و روان هنرمند است. ذهن و روان هنرمند تحت تأثیر عوامل مختلفی است؛ که شرایط اجتماعی– فرهنگی مهم‌ترین آن‌هاست. این شرایط و سیر تحولات آن، با استفاده از نظریه‌های جامعه شناختی گوناگون قابل تحلیل است.

در بین جامعه‌شناسان مختلف آراء سوروکین، در تبیین تحولات اجتماعی–فرهنگی و نقش آن در تکوین سبک‌های هنری گویاتر است. او در باب دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، بر خلاف نظریه‌های تکاملی، اعتقاد به دیدگاه چرخه‌ای دارد. وی «جوامع بشری را میان سه گونه ذهنیت در نوسان می‌دید؛ ذهنیت حسی، مفهوم‌پردازانه و آرمان‌گرایانه. جوامع مبتنی برذهنیت حسی، بر نقش حواس در درک واقعیت تأکید می‌ورزند؛ جوامعی که تحت سلطه‌ی شیوه‌های متعالی‌تر و مذهبی‌تر فهم واقعیت قرار دارند؛ ذهن مفهوم‌پردازانه دارند و جوامع مبتنی بر ذهنیت آرمان‌گرایانه از نوع گذاری‌اند و تعادل میان دو گونه‌ی دیگر را برقرار می–سازند» (ریتزر ۱۳۷۴، ۷۸). بر این مبنا می‌توان «گرایش به واقعیت، طبیعت، تعادل و عقل» را که از ویژگی‌های سبک خراسانی است؛ معلول جامعه‌ای با ذهنیت حسی دانست. همچنان که سوروکین خاطرنشان می‌کند «یک جامعه حسی سرانجام آنقدر حسی می‌شود که زمینه برای سقوطش فراهم می‌گردد. وقتی ذهنیت حسی به آخرین حد منطقی‌اش می‌رسد؛ مردم به نظام‌های مفهوم‌پردازانه پناه می‌آورند. اما این نظام تازه نیز دوباره به آخرین حدش سوق داده می‌شود و در نتیجه جامعه بیش از حد مذهبی می‌گردد. در این هنگام صحنه برای پدیداری یک فرهنگ آرمان‌گرایانه آماده می‌گردد و سرانجام همان چرخه پیشین دوباره تکرار می‌گردد» (ریتزر ۱۳۷۴، ۷۸). با تطبیق آراء سوروکین بر شرایط اجتماعی–فرهنگی ایران، می‌توان توجه بیشتر و افزون‌تر به وجوه معنوی در معماری و شعر دوره سلجوقی، از جمله ورود گسترده مفاهیم عرفانی به شعر این دوره را منتسب به جامعه مفهوم‌پرداز دانست که پس از افول جامعه حسی رخ می–نماید. به این ترتیب شیوه‌ی آذری در معماری و سبک عراقی در شعر را نیز می‌توان، برساخته‌ی جامعه‌ی آرمان‌گرا محسوب کرد. در دوره‌ی رواج سبک اصفهانی بازگشت به ذهنیت حسی از طریق گرایش به واقعیت در شعر و مردم‌واری در معماری تجلی می‌یابد؛ که آشکارا مؤید دیدگاه «چرخه‌ای» سوروکین است.

این که در هر دو حوزه، حرکت، ابتدا از سادگی و بی‌پیرایگی، به سمت تکلف و توجه به انواع آرایه‌ها و ظرایف هنری بوده است؛ اما پس از رسیدن به قله‌های رفیع هنری، و خلق آثار بی‌همتایی در معماری و شعر، نوعی پس‌رفت هنری به چشم می‌خورد، نیز تأیید دیگری است بر این که با نظریه‌های تکاملی نمی‌توان تحولات هنری در ایران را تحلیل کرد و باید متوسل به دیدگاه چرخه‌ای شد. بالاترین دلیلی که در تأیید دیدگاه سوروکین می–توان اقامه کرد وجود دوره‌ی بازگشت ادبی است. همچنان که پیش از این نیز اشاره شد؛ جریان شعر بازگشت ادبی، چیزی نیست جز تکرار سبک‌های گذشته.

تجزیه و تحلیل موضوع، و بررسی علت همانندی‌ها

ویژگی‌های مشترک شعر و معماری در جداول چهارگانه بررسی شد و روشن گردید و فراز و فرودهای این دو هنر تا حد زیادی با یکدیگر قابل تطبیق است. شباهت‌ها آن‌قدر گسترده است که گاه احساس می‌شود مظروف واحدی، در ظرف‌های مختلف ریخته شده است. در بیان علت همانندی‌ها، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی اندیشمندان، وجود همسانی‌ها را به«روح زمانه» نسبت

www.SID.ir

Archive of SID

می‌دهند. روح زمانه، واقعیتی معنوی- فکری و البته بسیار قدرتمند است که همه، خودآگاه یا ناخودآگاه، فعال یا منفعل، تابع آن هستند. همه‌ی افکار و احساسات یک زمان، روح آن عصر را تشکیل می‌دهد و به قول هگل هر چیزی در تاریخ، نتیجه‌ی آن است. در واقع روح زمانه توصیفی از کلیت دوره‌ای تاریخی است که وجهی غالب بر فرآیندهای فکری، سیاسی و اجتماعی خود دارد در این تعبیر در واقع هنرمند «تحت تأثیر نیروی الهام چیزی می‌آفریند که فراتر از آگاهی او می‌رود و بیانگر روح زمانه یا به تعبیر مشهور هگل روح دوران است» (احمدی ۱۳۷۵، ۱۰۱). در واقع، «اعتبار هنر، نه به واسطه‌ی تولید آگاهانه‌ی هنرمند، بل نتیجه‌ی کارکرد ذهن اوست که خود او به طور کامل از این کارکرد خبر ندارد و باید گفت که تسلطی هم بر آن ندارد» (همان). روح زمانه، کارکرد ذهن را شکل می‌دهد و با تأثیری ناخوداگاه بر ذهن و روان هنرمند، عامل آفرینش هنری می‌شود. تعبیر میشل فوکو از «اپیستمه[۳]» تا حدی به مفهوم روح زمانه نزدیک است. فوکو معتقد است «در میان همه‌ی قلمروهای معرفتی، در سطحی عمیق و در هر مرحله‌ی اپیستمه‌ای، درجه‌ی بالایی از هم‌شکلی وجود دارد» (مرکیور ۱۳۸۹، ۵۳).

به هر حال این نظریه، علت همانندی‌ها را آن می‌داند که انواع هنرها در هر دوره، تحت تأثیر روح زمانه‌ی واحدی هستند.

برخی ناقدان هنری معتقدند «روح زمانه وجود ندارد و اگر هست روح های زمانه است» (شوکینگ ۱۳۷۳، ۸). شاید این که در برخی ادوار دو یا چند سبک هنری به موازات هم رواج داشته‌اند؛ نمودی از وجود «روح‌های زمانه» باشد. همچنین وجود آن دسته آثار هنری در شعر و معماری، که تلفیق دو سبک مختلف در زمانی واحد هستند؛ نیز می‌تواند تحت تأثیر همین موضوع باشد.

تا اینجا تمرکز بحث، بر همسانی سبک‌های معماری و شعر در هر دوره تاریخی بود؛ حال اگر گامی فراتر برداشته و به لایه‌های عمیق‌تر جریان‌های هنری دقت شود؛ نتیجه گرفته می‌شود که گذشته از شباهت‌های سبک‌شناختی حوزه‌های گوناگون هنری در هر دوره، تعدادی عناصر تکرارشونده وجود دارد -که بدون این که تحت تأثیر عوامل بیرونی قرارگیرد و یا منتسب به سبکی خاص باشد- همواره درقلمرو اندیشه و هنر ایرانی حضور داشته است. این عناصر تکرار شونده در مجموع شاکله واحدی را ساخته‌اند. هرچند، گاه این شاکله تحت تأثیر عوامل مخرب خارجی تضعیف گشته؛ اما یکسره مضمحل نشده است. این شاکله، «کیفیتی بی‌نام[۴]» است که همه‌ی آثار فرهنگی، ذوقی، هنری و... را زیرچتری واحد گرد آورده و «هویت فرهنگی» ایرانیان را ساخته است.

یکی از مهم‌ترین عناصر این «کیفیت بی‌نام»، «تمنای جاودانگی» است. این تمنا درآثار گوناگون هنری به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. کهن‌الگوی بهشت که آن هم با مفهوم جاودانگی مرتبط است، یکی دیگر از این عناصر است. از دیگر عناصرِ این شاکله، حکمت‌ورزی است. ایرانیان در هر کار و از جملَه در آفرینش‌های هنری به این نکته توجهی وافر داشته‌اند؛ یعنی حکیمانه عمل کرده‌اند. بنیان شعر، نگارگری، معماری و سایر هنرهای ایرانی، در هم‌نشینی با فرهنگ اسلامی، «مبتنی بر معرفتی است که خود سرشتی روحانی دارد. معرفتی که استادان سنتی هنر اسلامی آن را «حکمت» نام نهاده‌اند... این هنر برعلمی باطنی مبتنی است که به ظواهر اشیاء نظر ندارد؛ بلکه ناظر بر حقیقت درونی آن‌هاست» (نصر بی‌تا، ۱).

عدالت‌خواهی، یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگی است که همواره حضوری گسترده در اندیشه و عمل ایرانیان داشته است. قرینه‌سازی، یکی از اشکال ظهور و بروز این مؤلفه در آثار هنری است.

«ذومراتب بودن[۵]»، پرهیز از صراحت بیان در اشکال گوناگون از جمله از طریق رمزاندیشی و نمادپردازی، حرکت از کثرت به سمت وحدت و... دیگر اجزای این «کیفیت بی‌نام» را تشکیل می‌دهند.

کیفیت بی‌نام، برگرفته از حقیقتی است که برخی متفکران، آن را «روح ملت» میخوانند. مفهوم «روح ملت»، ناظر بر توصیفی از کلیت ثابت روح هر ملت است که در قالب عناصر تکرارشونده‌ی فرهنگی خود را می‌نمایاند. هر چند آندره زیگفرید در کتاب «روح ملت‌ها» تنها، ویژگی‌های

www.SID.ir

Archive of SID

چند ملت غربی (فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا، روسیه و آمریکا) را بررسی کرده؛ اما بدیهی‌است که برای دیگر ملت‌ها –خاصه آنان که میراث‌دار حوزه‌های سترگ فرهنگی و تمدنی هستند– نیزمی توان قائل به وجود روحی مستقل و یگانه شد. روح ملت‌ها روحیه، مغز، منشأ و ساختمان باطنی رفتار ملتهاست؛ یعنی آن چیزی که ریشه و مبنای اعمال و رفتار تکرارشونده‌ی آن‌ها شده است. در ایران نیز اندیشمندانی وجود دارند که معتقدند «مظاهر فرهنگ هر ملت همه از امری واحد حکایت می‌کنند که می‌توان آن را هویت یا روح آن ملت خواند» (بهشتی ۱۳۸۷، ۸). بر مبنای این نظریه، در موضوع مورد بحث، علت همانندی‌ها آن است که همه‌ی هنرهای ایرانی– و از جمله شعر و معماری– از روحِ واحد «فرهنگ ایرانی» یا به عبارتی «روح ملت» ایران سرچشمه گرفته است.

زیگفرید در کتاب «روح ملت ها»، عوامل اصلی در شکل‌گیری روح هر ملت را مسائل فیزیولوژیک (ژن و نژاد) و مسائل اقلیمی و جغرافیایی می‌داند. اگر دیدگاه او مبنای سنجش قرار گیرد؛ اقلیم خشک، و شرایط جغرافیایِ سیاسی این سرزمین، از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری «روح ملت ایران» بوده است. افزون بر این‌ها، نگارنده اعتقاد دارد که چند هزار سال یکتاپرستی نیز در شاکله روح ملت ایران تأثیرگذار بوده است.

نتیجه این که همانندی‌ها نشان از وجود روحی مشترک و واحد، در همه‌ی ارکان فرهنگی جامعه دارد که هر بار خود را در یکی از مظاهر فرهنگی نشان می‌دهد.

نسبت «روح فرهنگی» با ظواهر متعددی مانند شعر، معماری، نگارگری و... قابل قیاس است با نسبتی که ابن عربی در بیان رابطه پروردگار و مخلوقات برقرار می‌سازد: «هر آینه حق را در هر خلقی ظهوری است لذا او در هر مفهومی ظاهر است و او، باطن از هر فهمی است؛ جز فهم آن کسی که قائل باشد که جهان صورت و هویت اوست» (ایزوتسو ۱۳۸۷، ۷۳).

نه تنها خلق آثار هنری بر مبنای «حکمت» بوده، بلکه ادراک آن نیز، محتاجِ برخورداری از حکمت و بصیرت است. به دیگر سخن، «فهم و درک حکیمانه‌ی این آثار، محتاج تلاشی درونی و سلوکی عارفانه است» (ندیمی ۱۳۸۶).

نتیجه‌گیری

شباهت‌های سبک‌شناختی معماری و شعر، به لحاظ کمی و کیفی بیش از آن است که تصادفی انگاشته شود. این جستار، همانندی‌های این دو حوزه هنری را در دو سطح قابل بررسی می‌داند: نخست در مقاطع و برش‌های تاریخی و دوم در کلیت تاریخ. این نگاه از آن جا ناشی می‌شود که نگارنده معتقد است همه‌ی هنرهای ایرانی و از جمله شعر و معماری– ضمن این که در هر دوره‌ی تاریخی، تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همان دوره هستند؛ در افقی وسیع‌تر از روحِ واحد «فرهنگ ایرانی» سرچشمه گرفته‌اند. به عبارتِ دیگر، علاوه بر شباهت‌های سبک‌شناختی بین معماری و شعر در هر دوره –والبته تفاوت‌هایی که سبک آن دوره را از سبک دیگر دوره‌ها متمایز می‌سازد– در عین حال در همه‌ی ادوار مختلف و در همه شیوه‌های هنری تعدادی عناصر تکرارشونده نیز وجود دارد. این عناصر تکرارشونده –بدون این که تحت تأثیر عوامل زودگذر قرار گیرند و یا منتسب به سبکی خاص باشند– همواره درقلمرو اندیشه و هنر ایرانی حضور داشته‌اند و در مجموع، شاکله‌ی واحدی را ساخته‌اند که همان «روح ملت» ایران است[۶]. این شاکله، همه‌ی آثار فرهنگی، ذوقی، هنری و... را زیرچتری واحد گرد آورده است.

ادراک روحِ «فرهنگ ایرانی» تنها زمانی حاصل می‌شود که با بصیرت و روشن‌بینی، حجاب کثرات را از چهره‌ی میراث معنوی و فرهنگی خود پس زنیم تا توان ادراک حقیقت یگانه‌ی نهفته در باطن آن، میسر شود. در آن هنگام، می‌توان خطاب به روح فرهنگ ایرانی –که در امتزاج با فرهنگ اسلامی غنای معنوی عمیقی یافته است– گفت:

حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد
این همه نقش در آیینه‌ی اوهام افتاد

www.SID.ir

Archive of SID

پی‌نوشت

۱. نقل به معنا از (پیرنیا ۱۳۸۰، ۱۳۵-۱۵۴). لازم به ذکر است که پیرنیا، ویژگی آخر (تأثیرپذیری از معماری دوره ساسانی) را جزء مختصات سبک خراسانی ذکر نکرده است؛ اما از آن‌جا که در توضیح هر یک از مصادیقِ معماریِ سبکِ خراسانی، به شباهت‌های آن بنا، با معماری دوره ساسانی اشاره نموده؛ این ویژگی نیز، از مختصات سبک خراسانی محسوب شده است.

۲. این ویژگی خصیصه‌ی عمومی شعر سبک هندی (اصفهانی) است (شمیسا ۱۳۷۴، ۲۹۵ -۳۰۰)؛ هرچند در شعر شاعران طراز اول این سبک مانند صائب تبریزی، کلیم کاشانی و بیدل دهلوی، کمرنگ‌تر از سایرین به چشم می‌خورد.

۳. در اندیشه‌ی فوکو منطور از اپیستمه یا صورت‌بندی دانایی، قالب‌های معرفتی بنیادین است؛ همان عنصر زیربنایی و ناخودآگاه که در هر زمان و مکانِ خاص، سازنده‌ی دانش است. به عبارت دیگر، هر یک از ادوار تاریخی، ترکیب خاصی از دانش اجتماعی ایجاد می‌کنند که او آن را اپیستمه می‌نامد. بنابر این اپیستمه، آن ساختارهای نهایی است که در پس گفتارها یا کردارها نهفته است؛ یعنی پیش‌زمینه‌ی فکری ناخودآگاه همه‌ی اندیشمندان یک عصر و یا همان ناخودآگاه معرفت در هر دوران. این مفهوم تا حدی نزدیک به مفهوم جهان‌بینی است که شرایط ظهور و به وجود آمدن دانش در هر دوره و مکان خاص را فراهم می‌کند و وجه تمایز هر دوره‌ی تاریخی از دوره‌های دیگر است.

۴. تعبیر «کیفیت بی‌نام» از این منبع وام گرفته شده است: الکساندر ۱۳۹۳، ۳۳- ۴۴. اما در این پژوهش، دقیقاً در همان معنایی که الکساندر ارائه کرده است؛ به کار برده نشده است.

۵. تعبیر «ذومراتب بودن» از تقریر شفاهی آقای مهندس سید محمد بهشتی وام گرفته شده است.

۶. به عبارت دیگر، از یک سو شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در هر دوره دستخوش تغییر می‌شود. در نتیجه روح زمانه تغییر می‌یابد و گونه‌گونی سبک‌ها را سبب می‌شود. از دیگر سو، چون ایجاد تغییر در ویژگی‌های فیزیولوژیک و نیز شرایط اقلیمی و ژئوپولتیکی بسیار کند و بطئی صورت می‌گیرد؛ روح ملت‌ها و هویت فرهنگی آنان به سادگی دچار تغییر و دگرگونی نمی‌شود.

منابع

۱. احمدی، بابک. ۱۳۷۵. *حقیقت و زیبایی، درس‌های فلسفه هنر*. تهران: نشر مرکز.

۲. ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۷۸. *صوفیسم و تائوئیسم*. ترجمهی محمد جواد گوهری. تهران: روزنه.

۳. بمانیان، محمدرضا (و دیگران). ۱۳۸۹. بازخوانی هویت معنوی و انگاره‌های قدسی در معماری مساجد شیعی. *شیعه‌شناسی* (۳۰): ۳۷-۷۰.

۴. بورکهارت، تیتوس.۱۳۷۶. *هنر مقدس*. ترجمهی جلال ستاری. تهران: سروش.

۵. بهشتی، سید محمد.۱۳۸۷. غزل باغ ایرانی. *گلستان هنر* (۱۱): ۸-۱۲.

۶. بهشتی، سید محمد. ۱۳۸۹. *مسجد ایرانی، مکان معراج مؤمنین*. تهران: روزنه.

۷. پیرنیا، محمدکریم.۱۳۸۰. *سبک‌شناسی معماری ایران*. تدوین غلامحسین معماریان. تهران: نشر پژوهنده، نشر معمار.

۸. حافظ، شمس‌الدین محمد. ۱۳۷۱. *دیوان غزلیات*. تصحیح محمد قزوینی. تهران: اساطیر.

۹. حمیدی شیرازی، مهدی. ۱۳۶۴. *فنون شعر و کالبدهای پولادین آن*. تهران: گلشایی.

۱۰. خاقانی شروانی، افضل الدین بدیل. ۱۳۶۸. *دیوان*. به کوشش ضیاءالدین سجادی. تهران: زوار.

۱۱. خزاعی، نسا (و دیگران). ۱۳۹۲. بررسی سبک آذری در معماری امامزادگان کشور با تأکید بر آرامگاه امامزاده جعفر. در مجموعه *مقالات کنگره‌ی بین‌المللی فرهنگ و اندیشهی دینی وگنبد سرخ مراغه*. پدیدآورنده محمد نصیری، جلد چهارم، ۲۴۵- ۲۶۱. بوشهر: مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.

۱۲. ریتزر، جورج. ۱۳۷۴. *نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمهی محسن ثلاثی. تهران: علمی.

۱۳. زیگفرید، آندره. ۱۳۹۱. *روح ملت‌ها*. ترجمه‌ی احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۴. سلطان احمدی، بهمن. آرشیو شخصی عکاسی.

۱۵. شمس لنگرودی، محمد. ۱۳۶۶. *گردباد شور جنون سبک هندی*، کلیم کاشانی. تهران: آدینه.

۱۶. شمیسا، سیروس. ۱۳۷۰. *سیرغزل در شعر فارسی*. تهران: فردوس.

۱۷. شمیسا، سیروس. ۱۳۷۴. *سبک‌شناسی شعر*. تهران: فردوس.

۱۸. شمیسا، سیروس. ۱۳۸۲. *سبک‌شناسی شعر*. تهران: فردوس.

۱۹. صائب تبریزی، میرزا محمدعلی. بیتا. *کلیات*. تصحیح امیری فیروزکوهی. تهران: کتاب‌فروشی خیام.

۲۰. صفا، ذبیحالله. ۱۳۶۸. *مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی*. تهران: ققنوس.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۱. علیزاده بیرجندی، زهرا. ۱۳۹۰. تحلیل نشانه‌شناسی صورت و معنا در معماری مساجد. *فصلنامه ادبیات و هنر دینی* (۲): ۱۴۹-۱۵۹.
۲۲. فاروق‌فلاح، غلام. ۱۳۶۰. *موج اجتماعی سبک هندی*. مشهد: ترانه.
۲۳. فرخی‌سیستانی، ابوالحسن علی. ۱۳۵۵. *دیوان اشعار*. تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی.
۲۴. مرکیور، ژوزه گیلیرمه. ۱۳۸۹. *میشل فوکو*. ترجمه‌ی نازی عظیما. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۲۵. ندیمی، هادی. ۱۳۸۶. *کلک دوست*. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۲۶. نوبخت، ایرج. ۱۳۷۳. *نظم و نثر پارسی در زمینه‌ی اجتماعی از نهضت مشروطه تا مقطع انقلاب*. تهران: ربیع.
۲۷. هوگ، ج. و هانری مارتن. ۱۳۷۵. *سبک شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی*. ترجمهی پرویز ورجاوند. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۸. هیلن برند، رابرت. ۱۳۸۷. *معماری اسلامی*. ترجمه‌ی باقر آیت الله زاده شیرازی. تهران: روزنه.

Refrences

1. Ahmadi, Babak.1996. *Truth & Beauty*. Tehran: Markaz.
2. Alizade Birjandi, Zahra. 2011. Semiotic Analysis of Form and Meaning in the Architecture of Mosques. *Adabiyyat va Honare Dini* (2): 149-159.
3. Beheshti, Seyed Mohammad. 2008. Persian Garden Sonnet. *Golestan-e Honar* (11): 8-12.
4. Beheshti, Seyed Mohammad. 2010. *Iranian Mosque, the Location of Believers Ascension*. Tehran: Rozaneh.
5. Bemanian, Mohammadreza et al. 2010. Readout of Spiritual Identity and Sacred Notions in Architecture of Shiite Mosques. *Shia Shenasi* (30): 37-70.
6. Burkhart, Titus. 1997. *The Sacred Art*. Translated by Jalal Sattari. Tehran: Sorush.
7. Farrokhi Sistani, Abolhasan Ali. 1976. *Collected Works*. Tehran: Ministry of Intelligence and Turism.
8. Farugh Fallah, Gholam. *Social Wave of Hindi Style*. Mashhad: Taraneh.
9. Hafez, Shamsoddin Mohammad. 1992. *Sonnets Tome*. Edited by Mohammad Ghazvini. Tehran: Asatir.
10. Hamidi Shirazi, Mahdi. 1995. *Art of Poetry*. Tehran: Golshaei.
11. Hillenbrand, Robert. 2008. *Islamic Architecture*. Translated by Bagher Ayatollah Zadeh Shirazi. Tehran: Rozaneh.
12. Hoag, J. and Henri Martin. 1996. *The Stylistics of Architecture art in the Islamic Lands*. Translated by Parviz Varjavand. Tehran: Elmi va Farhangi.
13. Izotso, Toshihiko.1999. *Sufism and Taoism*. Translated by Mohammad Javad Gohari. Tehran: Rozaneh.
14. Khaghani Sharvani, Afzal al-Din Badil. 1989. *Collected Works*. Edited by Ziy al-Din Sajjadi. Tehran: Zavvar.
15. Khazaei, Nesa. 2013. The Review of Azerbaijani Style and Architectural Art of Holy Shrines in the Country, with Emphasis on the Holy Sepulchre Jafar. *In Proceedings of the International Congress of Culture and Religious Thought and Red Dome of Maragheh*. Compiled by Mohammad Nasiri, Vol. 4, 245-261. Bushehr: Safiran-e Farhangi-ye Mobin.
16. Merquior, Jose Guilherme. 2010. *Michel Foucauit*. Translated by Nazi Azima.Tehran: National Library and Archive of I.R. Iran
17. Nadimi, Hadi. 2007. *Devine Beloved Pen*. Isfahan: Cultural Recreational Organization of Municipality of Isfahan.
18. Nobakht, Iraj. 2004. *Persian Poetry and Prose in the Field of Social since Constitutional Revolution to Revolution Era*. Tehran: Rabi.
19. Pirnia, Mohammad Karim. 2010. *Stylistics of Iranian Architecture*. Edited by Gholamhosein Memarian. Tehran: Pazhuhande, Memar.
20. Ritzer, George. 1995. *Sociological Theory of Contemporary Era*. Translated by Mohsen Salaseh.Tehran: Elmi.
21. Saeb Tabrizi, Mirza Muhammad Ali. N.D. *Collection*. Edited by Amiri Firuzkuhi. Tehran: Khayyam Bookstore.
22. Safa, Zabih Allah.1989. *Summary of Developmental History of Persian Poetry and Prose*.Tehran: Ghoghnus.
23. Shamisa, Sirus. 1991. *Course of Sonnet in Farsi Poetry*. Tehran: Ferdos.
24. Shamisa, Sirus. 1995. *Poetry Stylistics*. Tehran: Ferdos.
25. Shamisa, Sirus. 2003. *Poetry Stylistics*. Tehran: Ferdos.
26. Shams-e Langerudi, Mohammad. 1987. *Whirlwind of Insanity Passion of Hindi Style*, Kalim-e Kashani. Tehran: Adineh.
27. Soltanahmadi, Bahman. *Personal Archive of Photography*.
28. Zigfrid, Andre. 2012. *Spirit of Nations. Translated by Ahmad Aram*. Tehran: Enteshar Joint Stock Company Publication.

www.SID.ir

Archive of SID

Journal of Reasearch in Islamic Architecture / No.9 / Winter 2016

Comparing of Stylistics of Iranian mosques architecture and Persian poetry

Afsaneh Khatonabadi *

Assistant Professor of Persian language and Literature, Research Institute of Cultural Heritage & Tourism of Iran

Received: 16/12/2015 Accepted: 01/03/ 2016

Abstract

«Art Style» means the way of expressing the ideas, conscious or unconscious thoughts and emotions of the artist in his/her work. Social, political, economic and cultural conditions in any society has an essential role in the emergence and promotion of art styles. The changes in these conditions, will cause changes in artistic styles. In the Persian literary history, Persian poetry styles have divided into the styles of Khorasani, Iraqi, Isfahani (Hindi) and literary return period style. The styles of Iranian architecture in the Islamic era that are embodied in the construction of mosques are Khorasani, Razi, Azari and Esfahani styles. In both areas, for each of the styles, according to its historical period, we can suppose some minor styles, which these minor styles will help to more accurate evaluation.

This research tries to answer this question that «whether the specific social and cultural conditions in a historical period have had similar effects on the styles of Persian poetry and the architecture of Iranian mosques or not»; if so, «what do these similarities signify?» Moreover, can any elements be found that they be repeatable in all styles and in all eras, and if so, how can these common elements be interpreted? The importance of this issue is that, inevitably, we have to review and evaluate all aspects of our culture fields, to know our cultural identity, correctly. It is a crucial requirement of our culture that, to know that «whether the various cultural manifestations are separate Islands and apart islands from each other, that have not any relationship with each other, or a unique same sun gives life and warmth to all of them», But as far as the writer is aware, any independent research has not been done on this issue, yet. This research, which is based on descriptive analysis, at first, has explored the architectural styles of mosques and then it has studied the styles of Persian poetry. And the next step is to compare the styles of architecture and poetry, respectively.

To explain the social and cultural transformations and its impact on the development of artistic styles, among various opinions, Pytryn Alexander Sorokin comments - Russian descent sociologist, residing in America- is more eloquent. The article, in the next step, has

*afsaneh_kh.abadi@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

explored socio-cultural developments and its role in the genesis of artistic styles.
The current study with comparing the stylistic of Persian poetry characteristics and mosques architecture, concludes that, poetry and architecture styles, have had profound similarities in every historical period. So that Khorasani style in architecture can be taken into account corresponding to Khorasani style in poetry; Razi style can be associated with style Seljuk period-style, and also Azeri style with Iraqi style and Esfahani architecture with poetry Esfahani style (Hindi) were associated. These cultural similarities are due to common spirit in the different aspects of society. These common spirit, has two dimensions: 1. the temporal dimension (Zeitgeist = spirit of the age): This dimension in each period according to the requirements of the same period (Special conditions of social, economic, political and cultural), causes the emergence of similarity between the artistic styles, But because it is temporal, it also Contains differences with the pre and post periods. 2. Atemporality dimension (spirit of the Nation): This dimension contains some repeating elements that at different periods and in various artistic styles, have a constant presence, without being under the effect of external factors, or without attributing to a particular style. These repeating elements, will Make a single configuration that is «spirit of the nation» of Iran. This unit spirit of culture, like an invisible string, will collect reproduced Works in the field of thought and culture under a unit flag. This flag, is our ‹cultural identity›. Perception of the spirit of «Iranian culture» – which has deep spiritual richness in companionship with «Islamic culture», only is achieved when, with insight and enlightenment, we remove the curtain from the face of spiritual and cultural heritage, to percept the unique truth that lies on its backend.

Keywords:mosque, style, Iranian architecture, Persian poetry, culture

www.SID.ir

Archive of SID

ISSN 2382 - 980X

9

Scientific Journal of Research in Islamic Architecture

Center of Excellence for Islamic Architecture

Vol. 3, No. 4, Winter 2016

Managing Director: vice chancellor for research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Abdol Hamid Noghreh Kar

Administrative Director: Mohammad Mannan Raeesi

Administrative assistant: AmirHosein Yousefi

Persian literary Editor: Sara Motevalli

English literary Editor: Omid Khazaeian

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor, Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor, Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor, Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor, Iran University of Science and Technology

Esmaeil Shieh: Professor, Iran University of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University of Science and Technology

Gholam Hossein Memariyan: Professor, Iran University of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Associate Professor, Iran University of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Associate Professor, Iran Ministry of Science, Research and Technology

Design assistant: AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume3, Number9:

Bahman Adibzadeh, Associate professor, Shahid Beheshti University

Azita Balali Oskuie: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

Lida Bahhanasl: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

Mohammad Reza Bemanian: Professor, Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor, Iran University of Science and Technology

Mohammad Manan Raesi: Assistant Professor, Iran University of Science and Technology

Mohamad Ranjbar Kermani: Assistant Professor, Qom University

Seid Mohammad Hosein Zakeri: Assistant Professor, Shiraz University

Ali Omranipur: Assistant Professor, kashan University

Minoo Gharabeiglu: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

Mohamad Bagher Kabirsaber: Assistant Professor, University of Tehran

Mansureh Tahbaz: Associate Professor, Sahid Beheshti University

Jafar Taheri: Assistant Professor, Ferdosi University

Abolfazl Meshkini: Assistant Professor, Tarbiat Modares University

Ghasem Motalebi:Assistant Professor, University of Tehran

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh Seraj: Associate Professor, Iran University of Science and Technology

Seid Rasool Moosavi Haji:Associate Professor, Mazandaran University

Masood Nari Qomi: Assistant Professor, Kashan University

Ahad Ebrahimi Nezhad: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art University

Parisa Hashempur: Assistant Professor, Tabriz Islamic Art

Behzad Vasiq: Assistant Professor Jondy Shapoor University

Address: Center of Excellence in Islamic Architecture, Iran University of Science and Technology, Narmak, Tehran, Iran

Tel/Fax: (21-98+) 77491243 / **E-mail:** jria@iust.ac.ir / **Website:** http://iust.ac.ir/jria

www.SID.ir

Archive of SID

ISSN 2382980-X

9

Scientific Journal of Research in Islamic Architecture

Center of Excellence for Islamic Architecture

Vol. 3, No. 4, Winter 2016

The Latent Pattern of Spatial Arrangement in Iranian-Islamic Houses (Case study of Rasoulian House, Yazd)
Hassan Ali Pourmand / Fatemeh Tabatabaei Malazi

Surveying the Tools and Methods of Creating Privacy in the Zinat-ol Mulk Traditional House in Shiraz (Based on the Quran Verses and Islamic Hadiths)
Kourosh Momeni / Neda Naseri

Analysis of the Importance, Priority and Originality of Open Space in the Mosque
Amir Salmani / Mohammad Hossein Rahimi / Mehdi Khakzand

Comparing of Stylistics of Iranian mosques architecture and Persian poetry
Afsaneh Khatonabadi

Urban Management of Urban Economic Spaces in Islamic Era and Development and Application of it in Contemporary Iranian Cities
Mohammad Hossein Sharifzadegan / Behzad MalekpourAsl

Analytical comparison between Western Conservation Viewpoints and Islamic Ideology in Expressing Metaphysical Aspects of Architectural Heritage
Reza Abouei / Mohammad Reza Owlia / Zohreh Yadegari / Shahab Hazaei

The role of restorer in restoring monuments of Islamic culture and civilization A review of restoration approaches in restoration knowledge based onhuman factor in restoration
Mahmood Arzhmand / Ahmad Aminpoor

www.SID.ir